



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# نماز تراویح

از دیدگاه فریقین

محمد رضا ضمیری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# «نماز تراویح» از دیدگاه فریقین

نویسنده:

محمد رضا ضمیری

ناشر چاپی:

Ansariyan

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	«نماز تراویح» از دیدگاه فریقین
۷	مشخصات کتاب
۷	چکیده
۷	مقدمه
۷	نام این نماز
۸	اصل مشروعیت و فضیلت نماز تراویح
۸	اقوال فقیهان
۸	روایات
۹	وقت نماز تراویح
۹	دیدگاه اهل سنت
۹	دیدگاه شیعه
۹	تعداد رکعات
۹	دیدگاه شیعه
۱۰	دیدگاه اهل سنت
۱۰	اشاره
۱۰	دلایل اهل سنت در مورد تعداد رکعات
۱۰	فعل خلیفه دوم
۱۰	فعل اهل مدینه
۱۰	حکم جماعت در نماز تراویح
۱۱	تاریخچه تشریح نماز جماعت در تراویح
۱۱	آرا و اقوال مذاهب
۱۱	اشاره

۱۱	مذهب شیعه
۱۱	مذهب حنفی
۱۲	مذهب شافعی
۱۲	مذهب حنبلی
۱۲	مذهب مالکی
۱۲	دلایل مذهب شیعه
۱۲	روایات
۱۴	دلایل مذهب اهل سنت
۱۴	اشاره
۱۴	روایات نبوی
۱۵	فعل خلیفه دوم
۱۸	پاورقی
۲۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## «نماز تراویح» از دیدگاه فریقین

### مشخصات کتاب

عنوان: «نماز تراویح» از دیدگاه فریقین  
 پدیدآورندگان: ضمیری، محمدرضا، ۱۳۴۶- (پدیدآور)  
 نشریه طلوع، تابستان و پاییز ۱۳۸۳، شماره ۱۰ و ۱۱

### چکیده

نماز مهم‌ترین عملی است که معیار قبول و رد سایر عبادات و اعمال آدمی قرار می‌گیرد و در آن انسان به مناجات و خضوع پروردگار مشغول می‌شود. نماز در هر زمان و مکانی ارزشی ویژه دارد، اما در ماه مبارک رمضان که فصل عبادت و بندگی است، دارای ارزشی مضاعف است. یکی از نمازهایی که مسلمانان در ماه مبارک رمضان می‌خوانند «نماز تراویح» است، هر چند اصل این نماز مورد پذیرش همه مسلمانان قرار گرفته، اما اختلافات و مناقشاتی در موضوعات فرعی آن از قبیل؛ به جماعت خواندن و تعداد رکعات، وجود دارد. این مقاله ضمن بررسی مشروعیت نماز تراویح، ارائه دیدگاه‌های مذاهب اسلامی و تاریخچه آن، به نقد و بررسی موارد اختلافی نیز می‌پردازد. واژه‌های کلیدی: نماز تراویح، جماعت، بدعت، تشریح، فریقین، روایات.

### مقدمه

علم فقه، منش علمی مسلمانان است و چون در مذاهب اسلامی مشترکات فراوانی به چشم می‌خورد، پس می‌توان با شناخت این موارد و تأکید بر آنها به وحدت علمی و همبستگی اجتماعی دست یافت. یکی از آن موارد مشترک «نماز تراویح» است. مقصود از نماز تراویح، نماز مستحبی است که در شبهای بافضیلت ماه مبارک رمضان خوانده می‌شود. البته درباره این موضوع اختلافاتی نیز وجود دارد. به هر حال، در این مقاله مباحثی که درباره نماز تراویح مورد پژوهش قرار می‌گیرد، از قرار ذیل است: الف) نام این نماز. ب) اصل مشروعیت و فضیلت. ج) وقت آن. د) تعداد رکعات. ه) حکم جماعت.

### نام این نماز

برای نمازهای نافله‌ای که در شبهای ماه مبارک رمضان خوانده می‌شود، در عرف فقها و کتابهای روایی دو عنوان قیام شهر رمضان و «صلوة تراویح» مطرح شده است. عنوان اول در برخی کتابهای حدیثی اهل سنت و شیعه، مثل صحیح مسلم و کافی، ذکر شده است، ولی عنوان دوم در عرف فقهای اهل سنت از شهرت بیشتری برخوردار است. «تراویح» در لغت جمع «ترویحه» و به معنای نشستن است، ولی برای جلسه استراحتی که بعد از چهار رکعت نوافل شبهای ماه رمضان قرار دارد، به کار می‌رود؛ زیرا نمازگزاران پس از چهار رکعت نافله مقداری استراحت می‌کنند. در واقع معنای لغوی با تناسبی ویژه به معنای شرعی نقل پیدا کرده و در آن حقیقت متشرعه شده است، به گونه‌ای که وقتی در عرف مسلمانان «تراویح» بدون قرینه به کار می‌رود، نماز نافله در شبهای ماه رمضان به ذهن تبادر می‌شود. ابن منظور در شرح معنای لغوی آن می‌گوید: «الترویحة فی شهر رمضان: سمیت بذلك لاستراحة القوم بعد کل أربع رکعات و فی الحدیث صلاة التراويح لأنهم كانوا یستريحون بین کل تسلیمتین. والتراويح جمع ترویحه و هی المرّة الواحدة من الراحة تفعیلة منها مثل تسلیمة من السلام. [۱].»

## اصل مشروعیت و فضیلت نماز تراویح

### اقوال فقیهان

مشروعیت و جواز نمازهای مستحبی (تراویح) در شبهای ماه مبارک رمضان، مورد قبول همه فقهای مذاهب اسلامی است و اختلاف مهمی درباره آن وجود ندارد. شمس‌الدین سرخسی، از فقهای حنفی، در این زمینه می‌گوید: «و الامم أجمعت علی مشروعیتها و جوازها»؛ همچنین نووی شافعی می‌نویسد: «اتفق العلماء علی استحبابها». [۲] همچنین صاحب جواهر، از فقهای شیعه، نیز در مورد نماز تراویح می‌گوید: قول مشهور در فتاوا و روایات، مستحب بودن این نافله است، بلکه این مستحبات از جهت نقل میان اصحاب مشهور و از نظر تحصیل شهرت به گونه‌ای است که نزدیک به اجماع است و به طور کلی، جز صدوق مخالفی در این مسئله نیافتیم. [۳].

### روایات

علاوه بر اظهار نظرهای فقیهان مذاهب، روایات متعددی در زمینه فضیلت و ارزش این نماز نقل شده است. رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: من قام رمضان إيماناً و احتساباً غفر له ما تقدم من ذنبه؛ هر کس از روی اعتقاد و اخلاص در ماه رمضان قیام نماید (نماز بخواند)، تمامی گناهان گذشته او بخشیده می‌شود. [۴]. حال این حدیث را از دو جنبه سندی و دلالتی مورد بررسی قرار می‌دهیم. از جهت سند، این روایت در کتب مختلف روایی اهل سنت، از صحاح و غیر آن، نقل شده است، ولی هیشمی (م ۸۰۷ق) در ذیل حدیث می‌گوید: «در سند این روایت ابراهیم بن اسماعیل بن مجمع وجود دارد که فرد ضعیفی است». [۵]. از جهت دلالت، این حدیث دارای سه واژه است که شرح آنها اهمیت به‌سزایی در فهم و دریافت مطلب دارد: یکی «قیام رمضان»، دیگری «ایماناً» و سومی «احتساباً» است. مقصود از قیام رمضان، نماز تراویح است؛ زیرا واژه «قیام» غالباً برای نماز و تهجد در شب به کار می‌رود و با اضافه شدن به رمضان، نماز خواندن در شب ماه رمضان را تداعی می‌کند. علاوه بر این، برخی از شارحان صحیح، تصریح کرده‌اند که مقصود از قیام رمضان، نماز تراویح است. مراد از «ایماناً» این نیست که کسی به مبدأ و معاد ایمان و اعتقاد داشته باشد؛ زیرا چنین ایمانی شرط صحت تمامی عبادات است، بلکه مقصود از آن، اعتقاد به فضیلت و حقانیت این نماز است. و بالاخره منظور از «احتساباً» این است که نمازگزار در عمل خود تنها خداوند را در قصد نماید، نه خوشایند مردم را و در واقع در نمازش اخلاص را رعایت کند. نووی در فقه الحدیث آن می‌نویسد: معنی ایماناً «تصدیقاً بانه حق مقتصد فضیلت و معنی «احتساباً» آن یرید الله تعالی وحده لایقصد رؤیة الناس و لا غیر ذلك مما یخالف الاخلاص و المراد بقیام رمضان صلاة التراويح. [۶]. از طریق شیعه نیز روایات زیادی در فضیلت نوافل ماه رمضان وارد شده است. عن ابی جعفر (ع) قال: خطب رسول الله (ص) فی آخر جمعه من شعبان... «و هو شهر رمضان فرض الله صیامه و جعل قیام لیلته فیہ بتطوع صلاة کمن یتطوع بصلاة سبعین لیلته فیما سواه من الشهور؛ امام باقر (ع) می‌فرماید: پیامبر اکرم (ص) در آخرین جمعه از ماه شعبان خطبه خواند و فرمود: «خداوند در ماه رمضان روزه گرفتن آن را واجب ساخته است و شب زنده‌داری در آن را با نماز مستحبی خواندن، همانند کسی قرار داده است که هفتاد شب از ماههای دیگر نماز مستحبی بخواند. [۷]. در حدیث دیگری علی بن ابی‌حمزه می‌گوید: قال له ابوبصیر: ما تقول فی الصلاة فی رمضان؟ فقال (ع) له: ان لرمضان لحرمة و حقاً لایشبهه شی من الشهور، صل ما استطعت فی رمضان تطوعاً باللیل و النهار و ان استطعت فی کل یوم و لیلته ألف رکعة فصل، ان علیاً (ع) کان فی آخر عمره یصلی فی کل یوم و لیلته ألف رکعة؛ ابوبصیر به امام صادق (ع) عرض کرد: نظر شما در مورد نماز در ماه رمضان چیست؟ حضرت فرمود: همانا رمضان حرمت و حقی دارد که هیچ ماهی به آن نمی‌رسد، تا آنجا که می‌توانی در ماه رمضان در شب و روز، نماز مستحبی بخوان و اگر توانستی در هر روز و شب هزار رکعت نماز بخوانی، چنین



کن؛ زیرا حضرت علی(ع) در پایان عمرش در هر روز و شب، هزار رکعت نماز می‌خواند. [۸].

## وقت نماز تراویح

### دیدگاه اهل سنت

به طور کلی آغاز وقت نماز تراویح از دیدگاه اهل سنت، بعد از نماز عشا و انتهای آن طلوع فجر است. البته میان مذاهب اربعه اختلافات جزئی وجود دارد. جزیری زمان تراویح را از دیدگاه مذاهب چهارگانه چنین بیان نموده است: أما وقتها فهو من بعد صلوة العشاء و لو مجموعة جمع تقديم مع المغرب عند من يقول بجواز الجمع للمسافر سفر قصر و نحوه بالشرائط الآتیه فی مبحث الجمع بین الصلاتین تقدیماً و تأخیراً إلا عند المالکیة (قالوا: اذا جمعه العشاء مع المغرب جمع تقديم آخرت صلوة التراویح حتی یغیب الشفق فلوصلت قبل ذلك كانت نقلاً مطلقاً و لم یسقط طلبها) و ینتهی بطلوع الفجر و تصح قبل الوتر و بعده بدون کراهیه و لكن الافضل أن تكون قبله باتفاق ثلاثة و خالف المالکیة فقالوا: ان تأخیرها عن الوتر مکروه. [۹]. حال اگر نماز تراویح در وقت معهود خوانده نشود، آیا قضای آن تشریح شده است یا نه؟ از نظر فقهای حنفی و مالکی و حنبلی، نماز تراویح قضا ندارد، ولی فقهای شافعی معتقدند پس از خروج وقت، نماز تراویح قضا می‌شود. جزیری می‌گوید: فإذا خرج وقتها بطلوع الفجر فإنها لاتقضی سواء كانت وحدها أو مع العشاء باتفاق ثلاثة من الائمة و خالف الشافعیة (فقالوا: إن خرج وقتها قضیت مطلقاً). [۱۰].

### دیدگاه شیعه

در کلمات فقهای شیعه در مورد وقت نماز تراویح بحث مستقلی صورت نگرفته است، ولی از لابه‌لای احادیث و برخی عبارات فقها استفاده می‌شود که وقت هشت رکعت اول آن، پس از نماز مغرب است و وقت دوازده رکعت دیگر آن، پس از نماز عشا است و این وقت تا طلوع فجر ادامه دارد. از اینکه نماز تراویح در روایات و کلمات فقها به «لیل» مقید شده، استفاده می‌شود که پایان وقت آن طلوع فجر است. سیدمرتضی (م ۴۶۳ق) در این زمینه می‌نویسد: مسئله: و مما انفردت به الامامیه ترتیب نوافل شهر رمضان علی أن یصلی فی کل لیلۃ منه عشرين رکعة منها ثمان بعد صلوة المغرب و اثنی عشر رکعة بعد العشاء الاخر. [۱۱].

## تعداد رکعات

### دیدگاه شیعه

از نظر شیعه، تعداد نوافل ماه رمضان هزار رکعت است، بدین شکل که در بیست شب اول، هر شب بیست رکعت خوانده می‌شود و در ده شب آخر ماه، هر شب سی رکعت خوانده می‌شود. تا اینجا رکعات هفتصد رکعت شد. اما سیصد رکعت دیگر بدین ترتیب است که در سه شب نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم، هر شب صد رکعت بیشتر خوانده می‌شود. ناگفته نماند که در شب نوزدهم، بیست رکعت و در شب بیست و یکم و بیست و سوم، سی رکعت نیز خوانده می‌شود. مجموع این رکعات به هزار رکعت می‌رسد. شیخ طوسی در همین زمینه می‌گوید: یصلی طول شهر رمضان ألف رکعة زائداً علی النوافل المرتبة فی سائر الشهور، عشرين لیلۃ فی کل لیلۃ عشرين رکعة ثمان بین العشائین و اثنا عشره بعد العشاء الاخره و فی العشر الاخر کل لیلۃ ثلاثین رکعة و فی ثلاث لیل و هی تسعة عشره و لیلۃ إحدى و عشرين و لیلۃ و ثلاثة عشرين کل لیلۃ مائة رکعة [۱۲]. البته برخی از اصحاب معتقدند که در این سه شب، بیست رکعت و سی رکعت ساقط می‌شود و در مقابل در چهار جمعه آن به کیفیت خاصی جبران می‌شود. در مورد تعداد رکعات نماز تراویح، روایاتی وارد شده که به ذکر یک روایت اکتفا می‌کنیم. مسعدة بن صدقة عن أبي عبدالله(ع): قال:

مما كان رسول الله (ص) يصنع في شهر رمضان، كان يتنفل في كل ليلة ويزيد على صلوته التي كان يصلها قبل ذلك مند اول ليلة الى تمام عشرين ليلة في كل ليلة عشرين ركعة ثمانى ركعات منها بعد المغرب و اثنى عشرة بعد العشاء الاخرة و يصلى في العشر الاواخر و يدعو و يجتهداً شديداً و كان يصلى في ليلة احدى و عشرين مائة مئة و يصلى في ليلة ثلاث و عشرين مائة ركعة و يجتهد فيهما. [۱۳].

## دیدگاه اهل سنت

### اشاره

از نظر فقهای شافعی، حنفی و حنبلی تعداد رکعات نماز تراویح بیست رکعت است. نووی شافعی می گوید: «مذهبنا انها عشرون ركعة بعشر تسليمات غير الوتر و ذلك خمس ترويحاً و الترويحُ أربع ركعات بتسليمتين.» [۱۴]. سرخسی حنفی در همین موضوع می نویسد: «الفصل الاول في عدد الركعات فانها عشرون ركعة سوى الوتر عندنا.» [۱۵]. ابن قدامه حنبلی چنین می گوید: «المختار عند أحمد أن صلوة التراويح عشرون ركعة.» [۱۶]. اما از مالک در مورد تعداد رکعات، دو روایت نقل شده است. طبق یک روایت، تعداد رکعات آن بیست رکعت است، ولی از برخی روایات دیگر استفاده می شود که مالک تعداد رکعات آن را ۳۶ رکعت می دانسته است: «فاختار مالك في أحد قوليه...بعشرين ركعة سوى الوتر و ذكر ابن القاسم عن المالک انه كان يستحسن ستاً و ثلاثين ركعة و الوتر ثلاث.» [۱۷].

## دلایل اهل سنت در مورد تعداد رکعات

### فعل خلیفه دوم

یکی از ادله اهل سنت، فعل خلیفه دوم، عمر بن خطاب است. ابن قدامه می گوید: «ولنا ان عمر رضی الله عنه لما جمع الناس على ابى بن كعب يصلی لهم عشرين ركعة.» [۱۸].

### فعل اهل مدینه

مالک برای اثبات ۳۶ رکعت به فعل اهل مدینه استناد کرده و گفته است: بعث إلى الامير و اراد ان ينقص من قيام رمضان الذى يقومه الناس بالمدينة قال ابن القاسم: و هي تسع و ثلاثون ركعة بالوتر، ست و ثلاثون ركعة و الوتر ثلاث: قال مالك: فنهية أن يقص من ذلك شيئاً، قلت له: هذا ما أدركت الناس عليه و هو الامر القديم الذى لم يزل الناس عليه. [۱۹]. در مورد فعل خلیفه دوم باید توجه داشت که «فعل» برخلاف «قول» لسان ندارد و وجه آن معلوم نیست و در واقع نمی توان دلالت آن را بر استمرار پذیرفت. طبق مفاد این روایت، عمر بن خطاب بیست رکعت نماز خواند، ولی از کجای آن استمرار استفاده می شود؟ شاید بر همین اساس بوده که شوکانی در نیل الاوطار معتقد شده که در مورد تعداد رکعات نماز تراویح، سنتی وارد نشده است. ایشان می گوید: والحاصل ان الذى دلت عليه أحاديث الباب و ما يشابهها هو مشروعية القيام في رمضان و لاصلاة فيه جماعة و فرادى فقصر الصلوة المسماة بالتراويح على عدد معين و تخصيصها بقراءة مخصوصة لم يزد به سنة. [۲۰].

## حکم جماعت در نماز تراویح

## تاریخچه تشریح نماز جماعت در تراویح

مسلم است که نماز تراویح در زمان پیامبر اسلام (ص) به جماعت خوانده نمی‌شد و روایتی نیز نقل نشده که پیامبر آن را به جماعت خوانده باشد. همچنین در زمان ابوبکر نیز مردم به شیوه پیامبر (ص) عمل می‌کردند تا اینکه عمر در زمان خلافت خود (در سال ۱۴ هجری) جماعت را برای مردم تشریح نمود. امام شرف‌الدین در مورد تاریخ تشریح جماعت تراویح چنین می‌گوید: پیامبر اکرم (ص) در شبهای ماه رمضان سنتها و نوافل آن را بدون جماعت انجام می‌داد و مردم را بر قیام این ماه ترغیب می‌نمود و آنان نیز به همان شیوه‌ای که از پیامبر (ص) دیده بودند، عمل می‌کردند. مسئله در عهد خلافت ابوبکر نیز چنین بود تا اینکه او در سال سیزده هجری وفات کرد. پس از او عمر بن خطاب عهده‌دار خلافت گردید و ماه رمضان همان سال را روزه گرفت، در حالی که قیام آن ماه را تغییر نداد تا اینکه ماه رمضان سال چهاردهم از هجرت فرا رسید. او به همراه برخی از یارانش وارد مسجد شد و مشاهده کرد که مردم نوافل ماه رمضان را انجام می‌دهند، ولی برخی در حالی قیام و برخی دیگر در رکوع و بالآخره عده‌ای در حالت نشست‌اند، بعضی قرائت می‌خوانند، برخی تکبیر و تسیح می‌گویند و عده‌ای سلام می‌دهند. در این حال، وظیفه خود دید که این کار را اصلاح نماید. پس برای مردم تراویح را در اول شب ماه رمضان سنت قرار داد و مردم نیز حکم او را قطعی تلقی کردند. عمر این مطلب را به سرتاسر بلاد اسلامی نوشت و برای مردم در مدینه دو امام را منصوب کرد که برای آنان نماز تراویح بخوانند؛ امامی برای مردان و امامی برای زنان، و تمامی این مطلب مطابق اخبار متواتر است. [۲۱]. چنان‌که از عبارات فوق استفاده می‌شود، چون عمر از بی‌نظمی مردم در امر نوافل، رنج می‌برده است، تلاش کرده تا برای آن چاره‌ای بیندیشد و او در این کار به قول یا فعل پیامبر (ص) استناد نکرده است.

## آرا و اقوال مذاهب

### اشاره

پس از معلوم شدن سرگذشت اجمالی نماز به صورت جماعت، لازم است دیدگاه‌های مذاهب مختلف در این زمینه بررسی شود.

### مذهب شیعه

مهم‌ترین بحث در نماز تراویح، جماعت خواندن آن است. از نظر شیعه نمازهای مستحبی ماه رمضان به صورت فرادا خوانده می‌شود و به جماعت خواندن آن، بدعت و حرام است. شیخ طوسی در این زمینه می‌گوید: «نوافل شهر رمضان تصلی منفرداً و الجماعة فیه بدعه.» [۲۲] شهید اول (م ۷۸۶ق) نیز با تصریح به اینکه حکم چنین بدعتی تحریم است، می‌گوید: «التاسعة: الجماعة فی هذه الصلوة بدعه محرمة عند الاصحاب.» [۲۳]. البته علاوه بر فقهای شیعه، مالک، ابویوسف و برخی از علمای شافعی نیز فرادا خواندن در خانه را افضل می‌دانند. قال مالک و ابویوسف و بعض الشافعیه و غیرهم: الافضل فرادی فی البیت لقوله (ص) «افضل الصلاة، صلاة المرء فی بینه الا المكتوبة.» [۲۴]. اما اغلب اهل سنت، جماعت خواندن آن را جایز، بلکه مستحب می‌دانند؛ هر چند در برخی جزئیات آن با یکدیگر اختلاف نظر دارند. مذهب حنفی، جماعت خواندن تراویح را سنت کفایی می‌داند. مرغینانی در الهدایه می‌نویسد: و لاسنة فیها الجماعة لكن علی الکفایة حتی لو امتنع اهل المسجد عن إقامتها كانوا مسیئین ولو أقامها البعض فالتخلف عن الجماعة تارك للفضيلة لان أفراد الصحابة من، یروی عنهم التخلف. [۲۵].

### مذهب حنفی

کاشانی (م ۵۸۷ق) در بدائع الصنائع می‌نویسد: واما سنتها (صلاة التراویح) فمنها الجماعة و المسجد لأن النبی (ص) قدر ما صلی من التراویح صلی بجماعة فی المسجد فکذا الصحابة رضی الله عنهم صلوا بجماعة فی المسجد فكان أداؤها بالجماعة فی المسجد سنة. [۲۶].

### مذهب شافعی

در مذهب شافعی هر دو قول جواز جماعت و فرادا نقل شده است، ولی قائلان به افضلیت جماعت بیشترند. نووی در این خصوص می‌گوید: و تجوز منفرداً و جماعة و ایهما أفضل، فیه و جهان مشهور ان کما ذکر المصنف و حکاها جماعة، قولین: الصحیح باتفاق الأصحاب أن الجماعة أفضل و هو المنصوص فی البویطی و به قال اکثر اصحابنا المتقدمین الانفراد أفضل. [۲۷].

### مذهب حنبلی

مذهب حنبلی نیز به جماعت خواندن آن را افضل دانسته و در این باره به فعل خلفا و صحابه تمسک کرده است: والمختار عند الی عبدالله فعلها فی الجماعة، قال فی روایة یوسف بن موسی: الجماعة فی التراویح أفضل و أن کان رجل یقتدی به فصلاها فی بیته خفت أن یقتدی الناس به و قد جاء عن النبی (ص) اقتداءً بالخلفاء و قد جاء عن عمر انه کان یصلی فی الجماعة... [۲۸].

### مذهب مالکی

مالک معتقد بود در صورتی که کسی بتواند در خانه خودش نماز تراویح بخواند، بهتر از جماعت خواندن است. قال: و سألت مالکاً عن قیام الرجل فی رمضان أمع الناس أحب إلیک أم فی بیته؟ قال: إن کان یقوی فی بیته فهو أحب الی و لیس کل الناس یقوی علی ذلك قد کان ابن هرمرز ینصرف فیکوم بألطفه و کان ربیعه ینصرف و عدد غیر واحد من علمائهم کانوا ینصرفون و یقومون مع الناس، قال مالک: و أنا أفعل ذلك.

### دلایل مذهب شیعه

#### روایات

روایاتی که فقهای شیعه به آن استناد کرده‌اند به چند دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول: روایاتی که به طور کلی جماعت خواندن در نمازهای مستحبی را منع می‌کند؛ دسته دوم: روایاتی که در خصوص عدم جواز جماعت در نماز تراویح وارد شده است؛ و دسته سوم روایاتی که در کتابهای معتبر اهل سنت نقل شده است. دسته اول: جایز نبودن جماعت در نمازهای مستحبی از دیدگاه شیعه نمازهای مستحبی را باید به طور فرادا خواند و در صورتی که آنها را به جماعت بخوانند، نمازشان باطل خواهد بود. البته دو مورد استثنا شده است: یکی نماز باران و دیگری نماز عید؛ در صورتی که در اثر اختلاف شرایط مستحب شده باشند. علامه حلی در قواعد می‌گوید: «و لا تجوز (الجماعة) فی النوافل الا الاستسقاء و العیدین المندوبین.» [۲۹] صاحب جواهر (م ۱۲۶۶ق) درباره جایز نبودن جماعت در مستحبات، ادعای شهرت نموده و از منتهی و تذکره علامه و کنز العرفان مقدار بر آن نقل اجماع کرده است. [۳۰] در این زمینه روایات متعددی وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود. الف) اعمش عن جعفر بن محمد (ع) فی حدیث شرایع الدین قال: ولا یصلی التطوع فی جماعة، لان ذلك بدعة و کل بدعة ضلالة و کل ضلالة فی النار؛ [۳۱]. اعمش از امام صادق (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمود: نمازهای مستحبی به صورت جماعت خوانده نمی‌شود؛ زیرا بدعت است و هر بدعتی

موجب گمراهی است و هر گمراهی موجب آتش جهنم می‌گردد. ب) فضل بن شاذان عن الرضا(ع) فی کتابه الی المأمون، قال: لا يجوز أن یصلی تطوع فی جماعة، لان ذلك بدعة و لك بدعة ضلالة و كل ضلالة فی النار. در مقابل این اصل و قاعده کلی، چند روایت معارض وجود دارد که مفاد آنها این است که زنان می‌توانند در نمازهای مستحبی به یکدیگر اقتدا کنند. حلبی عن اى عبدالله(ع) قال: تؤم المرأة النساء فی الصلاة و تقوم منهن و یقمن عن یمینها و شمالها، تؤمن فی النافلة ولا تؤمن فی المكتوبة؛ [۳۲]. حلبی از امام صادق(ع) نقل می‌کند که حضرت فرمود: زن می‌تواند در نماز برای زنان دیگر امامت کند، بدین صورت که در وسط آنها قرار می‌گیرد و آنان راست و چپ او قرار می‌گیرند، ولی تنها در نمازهای مستحبی امام آنها قرار می‌گیرد و در نمازهای واجب امام آنها قرار نمی‌گیرد. در پاسخ این تعارض باید توجه داشت که این گونه روایات که تعداد آنها از سه روایت تجاوز نمی‌کند، مورد اعراض اصحاب قرار گرفته است. در اصول نیز ثابت شده است که اعراض اصحاب از روایتی موجب وهن و بی‌اعتباری آن است. صاحب جواهر در این خصوص می‌گوید: «کالتفصیل فی صحیحہ الآخر المعروض عنه بین الاصحاب». [۳۳]. در نتیجه، پس از اینکه ثابت شد به طور کلی نمی‌توان نوافل را به جماعت خواند، این قاعده کلی شامل نماز تراویح نیز می‌شود و روایتی نیست که بتواند عام را تخصیص بزند. دسته دوم: جایز نبودن جماعت در نماز تراویح روایات متعددی درباره بدعت بودن جماعت در نماز تراویح وارد شده است. تعداد این روایات چندان است که می‌توان در این زمینه ادعای تواتر کرد. صاحب جواهر می‌گوید: ضروره اشتماله علی خصوص النافلة فی شهر رمضان التی یمكن دعوی تواتر الاخبار ببدعة الجماعة فیها فضلاً عن أجماع الشیخ فی الخلاف علی ذلك بالخصوص. [۳۴]. هر چند اصل نماز تراویح در زمان پیامبر تشریح شده است، ولی از نظر شیعه به جماعت خواندن آن بدعتی است که پس از پیامبر بنا گذاشته شده است؛ زیرا حق تشریح مخصوص خداوند است و پیامبر تنها ناقل این تشریح است و هیچ کس دیگر نمی‌تواند در احکام الهی تصرف نماید. در ذیل برخی از این روایات نقل می‌شود. ۱. محمد بن علی بن الحسن بأسانیده عن زراره و محمد بن مسلم و الفضیل أنهم سألوا أبا جعفر الباقر و أبا عبدالله الصادق(ع) عن الصلاة فی شهر، رمضان نافلة باللیل فی جماعة؟ فقال إن رسول الله(ص) كان إذا صلى العشاء الاخرة انصرف إلى منزله ثم یخرج من آخر اللیل إلى المسجد فقوم فخرج فی اول من شهر رمضان لیصلی كما كان یصلی: فاصطف الناس خلفه فهرب منهم إلى بینه و تركهم فغفلوا ذلك ثلاث لیل فقام فی الیوم الثالث علی منبره فحمد الله و اثنی علیه ثم قال: ایها الناس إن الصلاة باللیل فی شهر رمضان من النافلة فی جماعة، بدعة و صلاة الضحی بدعة ألا فلا تجمعوا لیلاً فی شهر رمضان لصلاة اللیل ولا تصلوا صلاة الضحی فان تلك معصیه الا أن كل بدعة ضلالة و كل ضلالة سبیلها إلى النار ثم نزل و هو یقول: قلیل فی سنه خیر من کثیر فی بدعة. [۳۵]. طبق مفاد این روایت، پیامبر اکرم(ص) در ابتدا عملاً با جماعت خواندن نماز تراویح، مخالفت ورزیده و چون شیوه عملی مفید نبوده، مخالفت قولی نموده و تصریح فرموده است که این کار معصیت است و روشن است که واژه «عصیان» صراحت بیشتری در مقصود دارد و قابل توجیه نیست. پس از پیامبر اسلام، امیرالمؤمنین علی(ع) نیز با این بدعت در جامعه اسلامی مخالفت کردند، ولی مردم آن عصر حاضر به تبعیت نشدند. ۲. مصدق بن صدقه عن عمار عن اى عبدالله(ع) سألته عن الصلاة فی رمضان فی المسجد؟ قال: لما قدم أمير المؤمنين(ع) الكوفه امر الحسن بن علی(ع) أن ینادی فی الناس لاصلوه فی شهر رمضان جماعة فنادی فی الناس الحسن بن علی(ع) بما أمره به امیرالمؤمنین(ع) فلما سمع الناس مقالة الحسن علی صاحوا و اعمروا و اعمراه فلما رجع الحسن إلى امیرالمؤمنین(ع) قال له ما هذا الصوت؟ فقال یا امیرالمؤمنین: الناس یصیحون و اعمراه فقال امیرالمؤمنین(ع) قال لهم صلوا. [۳۶]. حضرت علی(ع) در روایت دیگری، علت امر به چنین نمازی را خوف از تفرقه لشکر و سست شدن مجاهدان عنوان کرده و فرموده است: والله لقد أمرت الناس أن لا یجتمعوا فی شهر رمضان الا- فی فریضة و اعلمتهم أن اجماعتهم فی النوافل بدعة فتنادی بعض أهل عسکری ممن یقاتل معی: یا أهل الاسلام غیرت سنه عمر نهانا عن الصلاة فی شهر رمضان تطوعاً و لقد خفت أن یثوروا فی ناحیه جانب عسکری [۳۷]. در روایت دیگری، امام رضا(ع) به طور صریح جماعت در تراویح را نفی کرده است. بنابر نقل تحف العقول آن حضرت فرموده است: «و لا تجوز

التراویح فی جماعة.» دسته سوم: دستور اکید به خواندن نماز مستحبی در خانه در کتابهای معتبر حدیثی اهل سنت، روایاتی درباره نفی جماعت در نماز تراویح وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود: ۱. زیدبن ثابت آن رسول الله (ص) اتخذ حجره قال حسبته انه قال من حصیر فی رمضان فصلی فیها لیالی و فی روایة المرثدی لیلین فصلی بصلوته ناس من أصحابه فلما بهم جعل یقعد فخرج إلیهم فقال: «قد عرفت الذی رأیت من صنعکم فصلوا أیها الناس فی بیوتکم فإن أفضل الصلوۃ المرء فی بیته الا المکتوبه.» [۳۸]. بر طبق مفاد این روایت، حضرت مردم را به نماز خواندن در خانه‌ها امر کرد و آنان را ترغیب نمود که به غیر از نمازهای واجب، سایر نمازها را در خانه بخوانند، ولی با این حال عده زیادی به چنین دستوری اهمیت ندادند. سیوطی در ذیل این حدیث می‌گوید: قد ورد هذا الحدیث فی صلوۃ رمضان فی مسجد فاذا کان صلوۃ رمضان فی البیت خیراً منها فی مسجده فکیف غیرها فی مسجد آخر نعم کثیر من العلماء یرون أن صلاة رمضان فی المسجد أفضل و هذا یخالف هذا الحدیث لان مورده صلاة رمضان الا أن یقال صار أفضل حین صار أداؤها فی المسجد من شعار الإسلام و الله تعالی اعلم. [۳۹]. نقل ذیل نیز از جمله آن روایات است: ۲- مجاهد عن عبدالله بن عمر قال: قال له رجل اصلی خلف الامام فی رمضان قال: نعم قال: یعنی ابن عمر: ألیس تقرأ القرآن؟ قال: افتتضت کانک حمار صل فی بیتک. [۴۰].

## دلایل مذهب اهل سنت

### اشاره

اهل سنت برای اثبات جواز جماعت، بلکه افضلیت آن به طور کلی، به دو دسته روایت تمسک کرده‌اند. یکی از آن دو گروه روایات منقول از پیامبر اکرم (ص) و دیگری روایات حاکی از فعل خلیفه دوم است.

### روایات نبوی

سرخسی برای اثبات افضلیت جماعت در نماز تراویح، به حدیث ابوذر از پیامبر (ص) استناد کرده است. حدیث مذکور با سند کامل به این قرار است: ابنا محمد عبدالله الحافظ ابو عبدالله محمد بن علی عبدالحمید الصنعانی بمکه ثنا الحسن بن عبدالاعلی الصنعانی ثنا عبدالرازق عن الثوری عن داود بن ابی هند عن الولید بن عبدالرحمن الحرشی عن جبیر بن نصیر عن ابي ذر قال: صمنا مع رسول الله (ص) رمضان فلم یقم بنا من الشهر شیئاً حتی کانت لیلۃ ثلاث و عشرين قام بنا حتی ذهب نحو من ثلث اللیل ثم لم یقم بنا من اللیلۃ الرابعه و قام بنا فی اللیلۃ الخامسة حتی ذهب نحو من نصف اللیل فقلنا یا رسول الله لو نفلتنا بقیه اللیل أن الانسان اذا قام مع الامام حتی ینصرف کتب له بقیه لیلته ثم لم یقم بنا اللیلۃ السادسة و قام السابعة و بعث الی اهله و اجتمع الناس حتی خشینا أو یفوتنا الفلاح قال قلت و ما الفلاح قال السحور. [۴۱]. پاسخ در سند روایت فوق، حسن بن عبدالاعلی الصنعانی و محمد بن علی بن عبدالحمید الصنعانی وجود دارند که در کتب رجالی از قبیل الجرح و التعدیل رازی، تهذیل التهذیب ابن حجر، میزان الاعتدال ذهبی و لسان المیزان عسقلانی، توثیق نشده‌اند و افراد مجهول‌الحالی هستند. بر این اساس، روایت فوق از اعتبار و حجت ساقط می‌گردد. شاید به همین جهت بوده که این روایت در صحیح بخاری و مسلم نقل نشده است. از جهت دلالت نیز این روایت با روایاتی که در آنها پیامبر امر به خواندن نوافل در خانه می‌کند، تعارض دارد. علاوه بر این، مدلول روایت با نماز تراویحی که در میان اهل سنت مرسوم است، متفاوت است؛ زیرا اهل سنت در هر شب بیست رکعت را برای تراویح لازم می‌دانند، در صورتی که حضرت در روایت مزبور از شب بیست و سوم نوافلی را شروع کرده است و طبق مفاد آن، تنها در سه شب نوافلی را خوانده است. علاوه بر این، تعداد رکعات آن در حدیث مشخص نشده است. به هر حال، دلالت حدیث ابوذر بر مدعای اهل سنت در مورد نماز تراویح تمام نیست.

## فعل خلیفه دوم

از روایات متعددی استفاده می‌شود که خلیفه دوم جماعت را برای نماز تراویح قرار داد و این امر پیش از او سابقه نداشت. خلیفه دوم معتقد بود که این کار او هر چند بدعت است، از زمره بدعت‌های نیکو به شمار می‌آید. ۱. عن ابن شهاب عن عروة بن الزبير عن عبد الرحمن بن عبد القاهری قال: خرجت مع عمر بن الخطاب ليلة في رمضان الى المسجد فإذا الناس أوزاع متفرقون يصلون الرجل لنفسه و يصلون الرجل فيصلون بصلاته الرهط فقال عمر إني أرى لو جمعت هؤلاء على قارى واحد لكان إمثل ثم عزم فجمعهم على أبي بن كعب ثم خرجت معه ليلة أخرى و الناس يصلون قارئهم قال عمر: نعم البدعة هذه و التي ينأمون عنها أفضل من التي يقومون»  
 ۲. ابن شهاب قال: أخبرني عروة أن عائشة أخبرته أن رسول الله خرج ليلة من جوف الليل فصلى في المسجد و صلى رجال لصلاته فاصبح الناس فتحدثوا فاجتمع أكثر منهم فصلوا معه فاصبح الناس فتحدثوا فكثير اهل المسجد من الليلة الثالثة فخرج رسول الله (ص) فصلى فصلوا بصلاته فلما كانت الليلة الرابعة عجز المسجد عن أهله حتى خرج لصلاة الصبح فلما قضى الفجر أقبل على الناس فتشهد ثم قال: اما بعد فإنه لم يخف على مكانكم و لكنى خشيت أن تفترض عليكم فتعجزوا عنها فتوفى رسول الله (ص) و الأمر على ذلك. [۴۳]. صحيح مسلم دنباله حديث را چنین نقل می‌کند: «فتوفى رسول الله (ص) و الامر على ذلك ثم كان الامر على ذلك في خلافة ابي بكر و ضدراً من خلافة عمر على ذلك». [۴۴]. از مجموع این دو روایت استفاده می‌شود که اصل مشروعیت نماز تراویح امری مسلم بوده، ولی از جانب غیر پیامبر در آن تغییراتی حاصل شده است. از روایت اول به دست می‌آید که عمر، خلیفه دوم، جماعت را به نماز تراویح اضافه نموده است و از روایت دوم چنین استنباط می‌گردد که مردم به جهت تبعیت و پیروی پیامبر، نماز تراویح خواندند. مقصود از «فصلوا بصلاته» (به قرینه باء سببیت) آن است که مردم به سبب اینکه پیامبر نماز تراویح خواند، نماز خواندند نه اینکه به او اقتدا کردند، و الا می‌بایست می‌گفت «فصلوا خلفه او ورائه». در این دو روایت سه فقره وجود دارد که نیازمند بحث و تفسیر است: یکی «فتوفى رسول الله و الامر على ذلك»؛ دوم «خشيت أن تفترض عليكم فتعجزوا عنها»؛ و سوم «نعم البدعة هذه». نکته اول: «فتوفى رسول الله و الامر على ذلك». از این فقره به خوبی روشن می‌گردد که پیامبر جماعت را در تراویح تشریح نکرد و در زمان ابوبکر نیز چنین بود، ولی خلیفه دوم آن را افزود. نووی در شرح صحیح مسلم می‌گوید: قوله فتوفى رسول الله... معناه استمرار الامر هذه المدة على ان كل واحد يقوم و رمضان في بيته منفرداً حتى انقضى صدرأ من خلافة عمر ثم جمعهم على أبي بن كعب فصلى بهم جماعة و استمر العمل على فعلها جماعة. [۴۵]. عسقلانی در ارشاد الساری می‌نویسد: قوله: (فتوفى رسول الله (ص) و الامر على ذلك، ان كل أحد قام رمضان في بيته منفرداً حتى جمع عمر رضى الله الناس على أبي بن كعب فصلى بهم جماعة و استمر العمل على ذلك). عسقلانی در فتح الباری چنین می‌گوید: قوله (قال ابن شهاب فتوفى رسول الله...) في رواية الكشمهيني و الامر على ذلك اى على ترك الجماعة في التراويح... و لم يكن رسول الله (ص) جمع الناس على القيام. [۴۶]. نکته دوم: «خشيت ان تفترض عليكم فتعجزوا عنها». از این کلام پیامبر چنین برداشت می‌شود که اگر مردم بر این نماز اجتماع کنند و این عمل استمرار یابد، خوف آن می‌رود که تراویح بر آنان واجب شود. به دیگر سخن، مداومت بر عمل غیر واجب، موجب وجوب آن می‌شود. ظاهر این حدیث مورد اشکال واقع شده است. از این رو، فقها و شارحان صحاح هر کدام توجیهی برای این فقره ارائه کرده‌اند. برخی گفته‌اند ممکن است خداوند وحی کرده باشد که اگر بر این عمل مواظبت کنید، آن را بر شما واجب می‌کنم. برخی دیگر گفته‌اند در اثر مواظبت بر این عمل، گمان می‌شود که این عمل واجب است. برخی دیگر نیز آن را حمل بر تعبد صرف کرده‌اند. سیوطی در شرح سنن النسائی می‌نویسد: قال المحب الطبري يحتمل إن يكون الله أوحى إليه أنك إن و اظبت على هذه الصلاة معهم افترضتها عليهم فأحب التخفيف عنهم فترك المواظبة قال و يحتمل أن يكون ذلك وقع في نفسه كما اتفق في بعض القرب التي دوام عليها فافترضت و سئل عز الدين بن عبد السلام عن هذا الحديث انه يدل على ان المداومة على ما ليس بواجب تصيره واجباً و المداومة لم تعهد في الشارع مغيرة لأحكام الأفعال فكيف خشى عليه الصلاة و السلام إن يغير بالمداومة

حکم القيام، فاجاب بانه تتلقى الاحكام و الأسباب فإن أخبر أن ههنا مناسبة اعتقدنا ذلك و اقتصرنا بهذا الحكم على مورده. [۴۷].

عسقلانی در ارشاد الساری در توجیه این فقره حدیث می‌گوید: و فی ارتباط افتراض العبادة بالمواظبة علیه إشکال قال ابوالعباس القرطبی: معناه تظنونه فرضاً للمداومة فيجب على من يظنه كذلك كما إذا ظن اله مجتهد حل شى أو تحريمه وجب عليه المعمل بذلك و قيل ان النبى (ص) كان مكمه اذا ثبت على شىء من أعمال القرب و اقتدى الناس به فى ذلك العمل فرض عليهم. [۴۸]. به نظر می‌رسد هیچ کدام از این توجیه‌ها دقیق و رسا نباشد؛ زیرا در الفاظی که در متن روایت به کار رفته، تأمل لازم صورت نگرفته است. تعبیر «يفترض» فعل مجهول است، در صورتی که در بیشتر این توجیه‌ها ناخودآگاه فعل، معلوم تصور شده است و فاعل آن را به خداوند یا پیامبر ارجاع داده‌اند. از سوی دیگر در اذهان مسلمانان چنین جا افتاده که غالب نمازهایی که به صورت جماعت خوانده می‌شود، واجب است. با توجه به دو مقدمه گذشته، توجیه صحیح این است که اگر این نماز به صورت جماعت خوانده شود و استمرار یابد، چون طرز تلقی مردم این است که جماعت وصف غالبی نماز واجب است، چنین تصور می‌شود که این نماز، نماز واجب است. لذا فعل مذکور، مجهول آمده است. بر این اساس، این اشکال که مداومت بر عمل مستحبی موجب وجوب آن می‌گردد، حل می‌شود؛ زیرا مداومت بر عمل مستحبی موجب وجوب از جانب دین نمی‌شود، بلکه موجب می‌شود که مردم تصور کنند این عمل واجب است. نکته سوم: «نعم البدعة هذه». خلیفه دوم اعتراف کرده که این کار (جماعت خواندن نماز تراویح) بدعتی است که او گذاشته است. او از این بدعت نیز تعریف و تمجید نموده است. در اینجا لازم است حکم بدعت مورد بررسی قرار گیرد تا معلوم شود که این بدعت خلیفه دوم چه حکمی دارد. اگر بدعت امر نیکویی است، اختصاص به او ندارد و دیگران نیز می‌توانند بدعت نیکو در دین ایجاد کنند. ۱. معنای لغوی بدعت بدعت در لغت به معنای امر نوظهوری است که پیشینه و سابقه‌ای نداشته است. این نوآوری در هر زمینه‌ای که باشد، از نظر لغوی بدعت نامیده می‌شود. ابن فارس در خصوص معنای لغوی آن می‌گوید: «البدع له اصلان: ابتداء الشىء و صغه لا-عن مثال و الآخر الانقطاع و اكلال». [۴۹] خلیل بن احمد نیز در کتاب العین می‌نویسد: «البدع إحداث شىء لم يكن له من قبل خلق و اذکر و لا معرفة». [۵۰]. ۲. معنای اصطلاحی بدعت از دیدگاه علمای شیعه و سنی معنای اصطلاحی بدعت از معنای لغوی آن خاص تر است، زیرا معنای اصطلاحی بدعت به طور کلی نوآوری در محتوای خود دین است. این نوآوری گاهی به زیاد کردن جزء یا شرایطی به عبادت یا معامله تحقق می‌یابد و یا عملی که در دین نبوده بدان افزوده می‌شود و گاه نیز به کم کردن بخشی از مسائل دین انجام می‌گیرد. در ذیل برخی از تعاریف بدعت از منظر علمای شیعه و سنی نقل می‌گردد. سیدمرتضی می‌گوید: «البدعة، زیادة فی الدین أو نقصان منه من غیر اسناد الی الدین». علامه مجلسی می‌نویسد: «ما حدث بعد الرسول و لم یرد فیه نص على الخصوص و لا یكون داخلاً فی بعض العمومات». [۵۱] ابن عابدین می‌گوید: «البدعة و هی اعتقاد خلاف المعروف عن الرسول لا بمعانته بل بنوع شبهة». [۵۲]. ابن حجر عسقلانی می‌نویسد: المحدثات جمع محدثه و المراد بها أى فی حدیث من أحدث فی أمرنا هذا ماليس منه فهو رد، ما أحدث و ليس له أصل فی الشرع یسمى فی عرف الشرع بدعة و ما كان له أصل یدل علیه الشرع فليس ببدعة. [۵۳]. ۳. ارکان بدعت بدعت اصطلاحی دارای دو رکن اساسی است: نخست اینکه بدعتی حرام است که در محدوده امور دینی باشد. بر این اساس، نوآوری‌هایی که در عرصه‌های مختلف زندگی بشر رخ می‌دهد، مشمول روایات گذشته نمی‌گردد. امروزه پیشرفتهای چشمگیری بر اثر تکنولوژی و صنعت جدید حاصل شده است که ربطی به بدعت دینی ندارد. البته متحجرانی هستند که بر پیشرفتهای بشری برچسب بدعت می‌زنند و آنها را یکسره حرام و ممنوع می‌دانند، اما آنان سخت در خطا و اشتباه‌اند. اسلام هیچ‌گاه با پیشرفت مادی که در جهت رفاه و آسایش بشر باشد مخالف نیست. رکن دوم این است که دلیل شرعی به طور خاص یا عام در مورد آن حادث وجود نداشته باشد؛ زیرا در این صورت نوآوری نیست، بلکه همان امر قبلی تکرار و تأکید شده است. ۴. حکم بدعت از آیات و روایات فراوانی استفاده می‌شود که حرمت بدعت‌گذاری در دین خدا امری مسلم و قطعی است؛ زیرا خداوند احکام دین خود را بر اساس مصالح و مفاسدی تنظیم کرده است و در اکثر موارد



عقل بشری نمی‌تواند به ملاکات احکام شناخت پیدا کند. از این رو، بشر حق ندارد به دلخواه خود در احکام الهی دخل و تصرف نماید. در ذیل برخی از آیات و روایات مربوط به حرمت بدعت را از منابع حدیثی فریقین نقل می‌کنیم. خداوند می‌فرماید: قل أرأيتم ما أنزل الله لكم من رزق فجعلتم منه حراماً و حلالاً قل الله أذن أم على الله تفترون؛ [۵۴]. ای پیامبر به (مشرکان عرب) بگو آیا رزقی که خداوند برای شما فرو فرستاده و حلال نموده، شما از پیش خود برخی را حلال و برخی را حرام می‌کنید؟ بگو آیا دستور خداست یا بر او افترا می‌بندید؟ دو روایت ذیل نیز نمونه‌ای از این روایات است: رسول خدا(ص) فرمود: من غش امتی فعليه لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعين، قالوا يا رسول الله و ما الغش؟ قال(ص) أن يبتدع لهم بدعة فيعلموا بها؛ [۵۵]. هر کس امت من را فریب دهد، لعنت خدا و ملائکه و همه مردم بر او باد! اصحاب از حضرت سؤال کردند: غش و فریب چیست؟ ایشان پاسخ داد: اینکه کسی برای آنان بدعتی بگذارد و مردم به آن عمل نمایند. امام صادق(ع) با اهل بدعت فرمود: تصحبوا اهل البدع و لاتجالسوهم فتصيروا عند الناس كواحد منهم؛ مصاحبت نداشته باشید، مبادا نزد مردم مانند آنان شوید. پیامبر (ص) فرمود: المرء على دين خليله و قرينه؛ [۵۶]. (زیرا) پیامبر خدا می‌فرماید: هر شخصی بر دین دوست و همراه خود است. نتیجه‌گیری از بیانات گذشته به خوبی روشن می‌شود که بدعت به معنای کم و زیاد کردن در دین، امر مذمومی است و در آیات و روایات از آن به شدت نهی شده است. بر این اساس، نماز تراویح را به جماعت خواندن، نوعی بدعت محسوب می‌شود و از نظر کتاب و سنت محکوم به حرمت است و چون نهی به عبادت خورده است، موجب فساد و بطلان آن می‌شود. تلاش بی‌حاصل برخی شارحان صحاح و فقها در صدد توجیه بدعت خلیفه دوم برآمده و گفته‌اند که همه اقسام بدعت حرام نیست و بدعت به احکام خمسسه تکلیفی تقسیم می‌شود که برخی حرام و برخی واجب و مستحب است. عسقلانی در ارشاد الساری می‌نویسد: و هی البدعة خمسمة واجبة و مندوبة و محرمة و مکروهة و مباحة و حدیث کلی بدعة ضلالة، من العام المخصوص و قدرغب فیها عمر بقوله نعم البدعة و هی کلمة تجمع المحاسن کلمها کما أن بشس تجمع المساوی کلها و قیام رمضان لیس بدعة لانه(ص) قال: اقتدوا باللذین من بعدی ابی بکر و عمر و إذا أجمع الصحابة مع عمر علی ذلك زال عنه اسم البدعة. [۵۷]. ابن عابدین نیز بدعت را به احکام خمسسه تقسیم نموده است. مناسبت بحث وی نیز این است که کسی که اهل بدعت باشد کافر نیست. قوله صاحب بدعة ای محرمة و إلا فقدتکون واجبة کنصب الأدلة للرد علی اهل الفرق الضالة و تعلم النحو المفهم للکتاب و السنة و مندوبة كأحداث نحو رباط و مدرسة و کل إحسان لم یکن فی الصدر الأول و مکروهة کز خرفة المساجد و مباحة کالتوسع بلذیذ المأکل و المشارب و الثیاب. [۵۸]. پاسخ اول یکی از شرایط صحت تقسیم آن است که مقسم به یک معنا بر تمامی اقسام صدق کند، زیرا مقسم امر کلی است که بر افراد و مصادیق مختلف به یک معنا اطلاق می‌گردد. حال در این تقسیم بدعت به احکام پنج‌گانه، میان معنای لغوی و اصطلاحی آن خلط شده است. بدعت به معنای نوآوری در اموری که سابقه خاصی نداشته است، به احکام خمسسه تقسیم می‌گردد، ولی بدعت اصطلاحی که به معنای کم و زیاد کردن دستورهای دین است، جز امر مذموم چیز دیگری نیست و غیر از حرمت حکم دیگری ندارد؛ چرا که بدعت در معنای اصطلاحی دروغ بستن به خدا و پیامبر اکرم(ص) است و آن هم از گناهان کبیره محسوب می‌شود. برخی از فقهای اهل سنت نیز با تقسیم بدعت به احکام خمسسه مخالفت کرده‌اند. شاطبی می‌گوید: آنها(نصوص) جائت مطلقه عامه علی کثرتها لم یقع فیها استثناء البتة و لم یأت فیها مما تقتضی أن منها ما هو هندی و لاجاء فیها کل بدعة ضلالة إلا کذا و کذا و لاشی من هذه المعانی فلو کان هناك محدثة تقتضی النظر الشرعی فیها الاستحان أو أنها لاحقة بالمشروعات لذكر فی آیه أو حدیث لکنه لا یوجد... أن متعقل البدعة تقتضی ذلك بنفسه، لانه من باب مضادة الشارع و اطراح الشرع و کل ما کان بهذه المثابة فمحال أن ینقسم إلى حسن و قبح و أن یکون منه ما یمدح و ما یذم. [۵۹]. علاوه بر اینها، حدیث نبوی در مورد بدعت، عام و مطلق است و عمومیت آن به گونه‌ای است که مانع هر گونه تخصیص و تقيید می‌شود. عن جابر قال خطبنا رسول الله... ثم قال: أما بعد فإن أصدق الحدیث کتاب الله و إن أفضل الهدی هدی محمد و شر الامور محدثاتها و کل بدعة ضلالة. [۶۰]. ابن رجب حنبلی معتقد است که عبارت نبوی «کل بدعة

ضلاله» تمامی اقسام بدعت را شامل می‌شود و چیزی از آن استثنا نشده است. او می‌گوید: فقولہ کل بدعة ضلالة من جوامع الحکم لا یخرج عنہ شیء و هو اصل عظیم من اصول الدین و هو تشبیه بقولہ من أحادیث فی امورنا هذا ما لیس منه فهو رد فکل من أحدث شیئاً و نسبه إلى الدین و لم یکن له من أصل الدین یرجع إليه فهو ضلالة و الدین بری منه و سواء من ذلك مسائل الاعتقادات أو الأعمال أو الأقوال الظاهرة و الباطنة. [۶۱]. پاسخ دوم علاوه بر حرمت بدعت و اینکه حرمت، موجب فساد عبادت می‌شود، یک نکته پرسیدنی است. اگر جماعت خواندن برای نماز تراویح خوب بود، چرا خداوند و پیامبر آن را بیان نکردند؟ این مسئله از دو حال خارج نیست: یا جماعت خواندن نماز تراویح حسن و مصلحت داشته، ولی نعوذ بالله خدا و پیامبر آن را بیان نکرده‌اند و یا اصلاً چون مصلحت نداشته و احیاناً موجب ضیق و عسر امت می‌شده، آن را تشریح نکرده‌اند که در این صورت، تشریح جماعت‌کاری بر خلافت مصلحت است. پاسخ سوم اصل در بنای مستحبات بر اخفا و انجام آنها در نهان و در واجبات بر اعلان آنهاست، زیرا چون انجام مستحبات از کمال نفس سرچشمه می‌گیرد، مناسب‌تر آن است که برای رعایت اخلاص، حتی المقدور آنها را دور از چشم مردم انجام دهند. به جماعت خواندن نمازهای مستحبی نیز با حفظ و رعایت اخلاص منافات دارد. پاسخ چهارم بدعت عمر در به جماعت خواندن تراویح، با عمل برخی از صحابه منافات دارد. حضرت علی (ع)، [۶۲] عبدالله بن عمر، [۶۳] امام حسن (ع) [۶۴] و برخی اصحاب نیز تراویح را به جماعت نمی‌خواندند. پاسخ پنجم احادیثی که عمر در آنها جماعت را برای تراویح قرار داده است، با برخی احادیث دیگر از وی که به طور کلی خواندن نمازهای مستحبی را در خانه سفارش می‌کند، منافات دارد. عن معاوية بن قره قال: حدثني الرهط الذين سألو عمر عن الصلاة في المسجد فقال: قال رسول الله (ص) الفريضة في المسجد و التطوع في البيت. [۶۵].

## پاورقی

- [۱] ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۳۶۰.
- [۲] شمس الدین سرخسی، المبسوط، ج ۲، ص ۱۴۳.
- [۳] نجفی، جواهر الکلام، ج ۴، ص ۵۹۲.
- [۴] صحیح بخاری، ج ۳، کتاب الصلوة، باب ۱۵۶، ص ۱۰۰.
- [۵] هیثمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۳، ص ۱۷۲.
- [۶] همان.
- [۷] طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳، باب فصل شهر رمضان، باب ۴، ص ۵۶.
- [۸] همان، ج ۳، ص ۶۱ و ۶۲.
- [۹] الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۳۴۲.
- [۱۰] همان.
- [۱۱] سیدمرتضی، الانتصار، ص ۵۵.
- [۱۲] طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۵۳۰.
- [۱۳] جواهر الکلام، ج ۱۲، ص ۱۸۶؛ وسائل الشیعه (آل البيت)، ج ۸، ص ۲۹.
- [۱۴] نووی، المجموع شرح المذهب، ج ۴، ص ۳۲.
- [۱۵] سرخسی، المبسوط، ج ۲، ص ۱۴۴؛ نسفی، کنزالدقایق، ص ۴۰.
- [۱۶] ابن قدامه، المغنی و الشرح الکبیر، ص ۸۳۴.
- [۱۷] مالک بن انس، المدونه اکبری، ج ۱، ص ۲۲۲؛ ابن رشد قرطبی، بدایه المجتهد، ج ۱، ص ۲۱۰.

- [۱۸] ابن قدامه، المغنی والشرح الكبير علی متن المقنع فی فقه امام احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۸۳۴.
- [۱۹] المدونۃ الكبرى، ج ۱، ص ۲۲۲.
- [۲۰] شوکانی، نیل الاوطار، ج ۳، باب صلاة التراویح، ص ۶۴.
- [۲۱] النص و الاجتهاد، ص ۱۲۲.
- [۲۲] الخلاف، ج ۱، ص ۵۲۸.
- [۲۳] شهید اول، ذکری الشیعة، ج ۴، ص ۲۸۰.
- [۲۴] نووی، شرح صحیح مسلم، ج ۶، ص ۳۹.
- [۲۵] الهدایة و البدایة، علی بن ابی بکر بن عبدالجلیل المرغینانی ابوالحسین، ج ۱، ص ۷۰.
- [۲۶] کاشانی، بدایع الصنائع فی ترتیب الشرايع، ج ۱، ص ۲۸۸.
- [۲۷] نووی، المجموع المذهب، ج ۴، ص ۳۱.
- [۲۸] المغنی و الشرح الكبير، ج ۱، ص ۸۳۵.
- [۲۹] علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۳۱۶.
- [۳۰] جواهر الکلام، ج ۵، ص ۸۱.
- [۳۱] عاملی، وسائل الشیعة، باب ۲۰ از ابواب صلاة الجماعة، ص ۳۳۵، ح ۵.
- [۳۲] همان.
- [۳۳] جواهر الکلام، ج ۵، ص ۸۳.
- [۳۴] همان.
- [۳۵] تهذیب الاحکام، باب ۴، ج ۳، ص ۷۷، ح ۲۹ و ۳۰؛ فضل شهر رمضان و الصلاة فی، ص ۶۷، ح ۲۹.
- [۳۶] طوسی، تهذیب الاحکام، باب ۴، ج ۳، ص ۷۷، ح ۲۹ و ۳۰؛ فصل شهر رمضان، ص ۶۷، ح ۳۰.
- [۳۷] وسائل الشیعة، ج ۸، باب ۱۰، ابواب نافله شهر رمضان، ص ۴۶، ح ۴.
- [۳۸] بیهقی، السنن الكبرى، ج ۲، ص ۱۹۸؛ سنن نسایی، ج ۲، ص ۱۹۸.
- [۳۹] سنن نسایی، ج ۲، ص ۱۹۸ و ۱۹۹.
- [۴۰] همان، ص ۱۹۸.
- [۴۱] سنن الكبرى، ج ۲، ص ۴۹۴ و سنن النسایی، ج ۲، ص ۲۰۲.
- [۴۲] صحیح بخاری، ج ۳؛ کتاب صلوة التراویح، باب ۱۵۶، باب فضل من قام من رمضان، ص ۱۰۰، ح ۲۵۶.
- [۴۳] همان، ص ۱۰۱.
- [۴۴] صحیح مسلم، ج ۶، ص ۴۰.
- [۴۵] شرح صحیح مسلم، ج ۶، ص ۴۰.
- [۴۶] عسقلانی، فتح الباری، ج ۴، ص ۲۰۳.
- [۴۷] سنن نسایی، ج ۲، ص ۲۰۲ و ۲۰۳.
- [۴۸] ارشاد الساری، ج ۳، ص ۴۲۸.
- [۴۹] احمد بن فارس، معجم مقائیس اللغة، ج ۱، ص ۲۰۹.
- [۵۰] خلیل بن احمد، العین، ج ۲، ص ۵۴.

- [۵۱] بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۰۲.
- [۵۲] ابن عابدین، حاشیه رد المختار، ج ۱، ص ۵۶۰.
- [۵۳] عسقلانی، فتح الباری، ج ۱۷، ص ۹.
- [۵۴] یونس (۱۰)، آیه ۵۶.
- [۵۵] ابن اثیر، جامع الاصول، ج ۹، ص ۵۶۶؛ علاء الدین المتقی، کنز العمال، ج ۱، ص ۲۲۱.
- [۵۶] کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۷۵.
- [۵۷] عسقلانی، ارشاد الساری، ج ۳، ص ۴۲۶.
- [۵۸] حاشیه رد المختار، ج ۱، ص ۵۶۰.
- [۵۹] الاعتصام شاطبی، ج ۱، ص ۱۴۱.
- [۶۰] احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۳، ص ۳۱۰.
- [۶۱] مرکز الرساله، البدعه مفهومها و حدودها، ص ۴۸.
- [۶۲] کنز العمال، ج ۸، باب ۷، صلاة النفل، ص ۳۸۴.
- [۶۳] تهذیب الاحکام، باب ۴، ج ۳، ص ۶۷، حدیث ۳۰.
- [۶۴] سنن نسایی، ج ۲، ص ۴۹۴.
- [۶۵] کنز العمال، ج ۸، باب ۷، صلاة النفل، ص ۳۸۴.

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به

محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

